

بیشعوری

راه‌نمای عملی شناخت و درمان خطرناک‌ترین
بیماری تاریخ بشریت

نوشته‌ی دکتر خاویر کرمنت

ترجمه‌ی فاطمه شاهین‌زاده



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

Crement, Xavier

سرشناسه: کرمنت، خاویر

عنوان و نام پدیدآور: بیشعوری: راهنمای عملی شناخت و درمان خطرناک‌ترین بیماری تاریخ بشریت/ نوشته‌ی خاویر کرمنت؛

ترجمه‌ی فاطمه شاهین‌زاده؛ ویراستاران پروین شریفی‌فرد، مهسا غفاری.

مشخصات نشر: دزفول: اهورا قلم، ۱۳۹۷. مشخصات ظاهری: ۲۵۰ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م

شابک: 978-600-426-153-1 - وضعیت فهرست نویسی: فیا

بازداشت: عنوان اصلی: Asshole no more: a self-help guide for recovering assholes--and their victims, c1990.

بازداشت: کتاب حاضر پیش از این با عنوانهای مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت در سالهای مختلف نیز ترجمه و منتشر

شده است.

سوان دیگر: راهنمای عملی شناخت و درمان خطرناک‌ترین بیماری تاریخ بشریت.

موضوع: خودشناسی Self-perception

موضوع: شخصیت Personality

موضوع: اختلالات شخصیتی -- درمان Personality disorders -- Treatment

موضوع: رفتار -- تغییر -- حدیث -- دستنامه‌ها Behavior modification -- Handbook, manuals, etc

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ خ/۳۴۴۲۲۴ BP

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۵۹۸۸۷



تلفن: ۰۹۱۶۶۴۱۵۸۹۴ - ۰۹۱۴۲۴۹۱۲۲

◆ بیشعوری (راهنمای عملی شناخت و درمان خطرناک‌ترین بیماری تاریخ بشریت)

◆ مترجم: فاطمه شاهین‌زاده

◆ ویراستاران: پروین شریفی‌فرد - مهسا غفاری

◆ انتشارات: اهورا قلم

◆ نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۷

◆ چاپ و صحافی: ارم

◆ قطع: رقعی

◆ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

◆ شابک: ۱-۱۵۳-۴۲۶-۶۰۰-۹۷۸

◆ آدرس: دزفول، خیابان خیمه‌گاه بین خیابان قاضی و میرداماد کوچه بنفشه پلاک ۱۹۴

www.ahooraghalam.ir

ahooraghalam@yahoo.com

◆ آدرس اینترنتی:

◆ آدرس ایمیل:

◆ طبق قانون حقوق نویسندگان و مصنفان هرگونه کپی‌برداری به هر روش پیگرد قانونی دارد.

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

مرکز پخش: عطاران مفتاح غربی کوچه ۱۵ پلاک ۹۹

۰۹۱۲۸۵۲۳۳۸۶ - ۰۹۱۹۷۴۶۷۸۳۷ - ۰۲۵۳۲۹۱۷۴۳۹

فهرست مطالب

۱. مقدمه‌ی مترجم

۶. مقدمه‌ی نویسنده

بخش نخست: چه کسی بیشعور است و چرا یک نفر باید بخواند که بیشعور باشد؟

۲۱. سرگذشت فرد

۳۴. ۲. چند سرگذشت دیگر

۴۹. ۳. تعریف بیشعوری

۶۱. ۴. ماهیت بیشعوری

۹۳. ۵. شدت بیشعوری

بخش دوم: انواع بیشعورها

۱۰۵. ۶. بیشعور اجتماعی

۱۱۳. ۷. بیشعور تجاری

۱۲۰. ۸. بیشعور مدنی

۱۲۸. ۹. بیشعور مقدس مآب

۱۳۵. ۱۰. بیشعور عصر جدید

۱۴۲. ۱۱. بیشعور دیوان سالار

۱۴۸. ۱۲. بیشعور بیچاره

۱۵۴. ۱۳. بیشعور شاکی

بخش سوم: وقتی جامعه بیشعور می‌شود

۱۴. تجارت به مثابه‌ی بیشعور ۱۶۲
۱۵. دولت به مثابه‌ی بیشعور ۱۶۹
۱۶. خواندن، نوشتن و بیشعوری ۱۷۶
۱۷. بیشعوری در رسانه، یک اپیدمی واقعی ۱۸۲

بخش چهارم: زندگی با بیشعورها

۱۸. کار کردن با بیشعور ۱۸۹
۱۹. وقتی دوست یا همکار شما بیشعور است ۱۹۹
۲۰. ازدواج با آدم بیشعور ۲۰۴
۲۱. بیشعور مادرزاد ۲۰۹
۲۲. فرزندان والدین بیشعور ۲۱۶

بخش پنجم: راه نجات

۲۳. مراحل درمان ۲۲۵
۲۴. وسایل درمان ۲۳۳
۲۵. سخن پایانی ۲۴۵

مقدمه منوچهر

آیا از اینکه همه سالان زباله‌هایش را در جوی آب می‌ریزد عصبانی هستید؟
آیا تابه‌حال پیش آمده که در اداره‌ای برای گرفتن یک امضا روزها و ساعت‌ها در
آمدوشد باشید؟ آیا اساسی کنید برخوردهای رئیس‌تان با شما توهین‌آمیز
است؟ تابه‌حال دلتان می‌خواسته که یک صندلی را بر فرق پزشکی بکوبید که
وقتی بعد از ساعت‌ها انتظار و پرداخت پول ویزیت کلان موفق به دیدارش
شده‌اید، بدون آنکه اجازه بدهد شما در مورد بیماری‌تان توضیحی بدهید شروع
به نوشتن نسخه کرده است؟ آیا از دیدن مجری‌های تلویزیون عصبی می‌شوید؟
آیا با شنیدن حرف‌های سیاستمداران دچار رعشه و زل زدن می‌شوید؟ آیا
وسوسه‌ی خفه کردن بزرگ‌ترهای فامیلی که دائماً مشغول حصول و نصیحت و
بزرگ‌تری هستند زیاد به سراغتان می‌آید؟ با همکاران از زیر کار درآوردن و زیرآب
زن زیاد دست‌به‌یقه می‌شوید؟ آیا هر هفته دوستانی به سراغتان می‌آیند که
بخواهند شما را به فعالیت تجاری یا آئین مذهبی جدیدی دعوت یا دست‌کم
چاکرایتان را باز کنند؟ رابطه‌تان با همسران چطور است؟ به فکر جدا شدن از او

هستید یا آنقدر شرور است که حتی جرئت جدا شدن از او را هم ندارید؟
 بچه‌های تخس و شروری که دائماً باعث سرافکندگی تان می‌شوند هم دارید؟

* * *

اگر پاسختان به این پرسش‌ها مثبت است، این کتاب برای شماست. چرا که
 شما با بیشعورها سروکار دارید و کتابی در باب پدیده‌ی حماقت و بیشعوری در
 جوامع کنونی به‌عنوان راهنمای عملی شناخت و درمان خطرناک‌ترین بیماری
 تاریخ بشریت راهنمای ارزشمندی برای شناخت و درمان عارضه‌ی بیشعوری و
 نحوه‌ی رفتار با مبتلایان به این بیماری است. اما اگر پاسختان به پرسش‌های بالا
 منفی است، احتمالاً خبر خوبی برای شما را تهدید می‌کند...

شاید بیشعوری یک «بیماری» است، مثل تمام بیماری‌ها، برای پیشگیری و
 درمانش، باید آن را درست شناخت.

هرچقدر که یک بیماری خطرناک‌تر و شایع‌تر باشد، شناخت و مقابله با آن
 ضروری‌تر است، اما بیشعوری مهلک‌ترین عارضه‌ی کل تاریخ بشریت است که
 تاکنون راهکاری علمی برای مقابله با آن ارائه نشده است. بیشعوری حماقت
 نیست و بیشتر بیشعورها نه تنها احمق نیستند که نسبت به مردم عادی از هوش و
 استعداد بالاتری برخوردارند. خودخواهی، وقاحت و تعرض آگاهانه به حقوق
 دیگران که بن‌مایه‌های بیشعوری هستند بیشتر از سوی کسانی اعمال می‌شوند که
 از نظر هوش، معلومات، موقعیت اجتماعی و سیاسی و وضع مالی اگر بهتر از عموم
 مردم نباشند، بدتر نیستند.

پزشکی که حق اظهارنظر به بیمار خود یا همراهان او نمی‌دهد یا سیاستمداری که با زیرکی از جهل و زیاده‌خواهی مردم با دادن وعده‌های توخالی و ارائه‌ی آمار مضحک از آن‌ها سوءاستفاده می‌کند؛ هیچ‌کدام به خاطر حماقت مرتکب چنین اعمالی نمی‌شوند. همین‌طور شهروندی که زباله‌ی خود را در چند قدمی سطل زباله‌ی عمومی محله در جوی آب خالی می‌کند به خاطر ناآگاهی از کارکرد جوی و سطل زباله چنین کاری نمی‌کند.

واقعیت ردنا که آن است که در طول تاریخ، مسییان بیشترین آسیب‌هایی که بشریت متحمل شده است آدم‌های بیشعور بوده‌اند و نه آدم‌های نادان. جنایت‌کاران بزرگ تاریخ همگی آدم‌هایی باهوش و سخت‌کوش بوده‌اند که حاصل ضرب استعدادهای شعری متعدد مثبت آن‌ها با خودخواهی، تعرض به حقوق دیگران و رذالت‌های منفی‌شان، از آن‌ها بیشعورهای عظیم و مخوفی ساخته که دنیایی را به آتش کشیده‌اند.

در دنیای مدرن و با بالا رفتن سطح آموزش، در سایه‌ی این تفکر نادرست که سواد و آگاهی، الزاماً رفاه و فرهنگ عمومی را در پی خواهد داشت، بیشعورهای بسیار بیشتری تولید و به بهره‌برداری رسیده‌اند. تنها کافی است نگاه کنید به ایدئولوگ‌ها و نظریه‌پردازان و حتی آدمکش‌هایی که از بطن دانشگاه‌های معتبر جهان رشد یافته‌اند و آمار قربانیان آن‌ها بیندازیم تا صدق این مدعا ثابت شود.

بله... دنیا به کام بیشعورهاست و گویی سالهاست که بیشعورهای جهان متحد شده‌اند!

خاویر کرمنت این واقعیت دردناک را موضوع کتاب طنزآمیز خودش قرار داده است.

همان‌طور که خود نویسنده هم در ابتدای کتاب خاطرنشان ساخته، هیچ‌کدام از وقایع و نام‌های مذکور در متن کتاب واقعی نیستند اما وجود مابازاهای فراوان در میان مجموعه‌ای توصیفاتی که در هر بخش از بیشعورهای خاص شده است می‌تواند تأمل برانگیز، انگیزار و البته ناامیدکننده باشد.

به‌عنوان یک صرنویس (یک کسی که فکر می‌کند طنزنویس است) این کتاب را در ابتدا صرفاً به خاطر «طنز آیزن‌رودن» آن خواندم، اما اعتراف می‌کنم که محتوای عمیق آن تأثیر زیادی بر روی منش شخصی خودم و درک و تحلیل از رفتارهای اجتماعی دیگران داشته است.

در ترجمه‌ی این کتاب سعی شده لحن شبه‌طنز آمیز نویسنده - که ناگاه در بعضی جاها به نثر محاوره‌ای و حتی ادبیات الهی نزدیک می‌شود - حفظ شود. همچنین با توجه به اشاره‌ها و کنایات متعدد نویسنده به وقایع و شخصیت‌های تاریخی، سعی کردم تا با توضیحاتی که در پانویس‌ها آورده‌ام، ضمن حفظ محتوا و ریتم متن اصلی، خواننده‌ی فارسی‌زبانی که نزدیک به دو دهه بعد از نوشته شدن کتاب آن را می‌خواند را با مرجع اشاره‌ها و کنایه‌هایی که

آورده شده آشنا کنم. کاری که بسیار وقت گیر بود؛ مثل مرجع یک اشاره‌ی چندکلمه‌ای به «رویز رویز» در فصل «بیشعور عصر جدید» که هفته‌ها وقت برد و البته برحسب اتفاق یافت شد. نام‌ها نیز بعضاً کاملاً تخیلی و بعضاً به‌صورت تغییریافته‌ی نام‌های حقیقی آورده شده‌اند (مثل باگمن راجیش در همان فصل بیشعورهای عصر جدید که تا آنجا که ممکن بوده مرجع اشارات یافته و به همراه اصل کلمه با حروف انگلیسی برای تمام اسامی خاص) در پانویس‌ها ذکر شده‌اند. در موارد دیگر هم بعضی اشارات کوتاه به وقایع و یا اصطلاحات خاصی که برای خواننده‌ی غیر ایرانی نامحوس بود را تغییراتی دادم تا متن ترجمه‌شده، برای خواننده فارسی‌زبان گنگ باشد. خوشبختانه یا متأسفانه، بخشی به‌عنوان «بیشعوری و ترجمه» در کتاب وجود نداشته.

* * *

توضیحی درباره نشر الکترونیک کتاب:

ماجرای انتشار یا عدم انتشار کتاب بیشعوری از آن ماجراها نیست که ادبای آب چشم می‌خوانندش و معاصران با تعبیری مثل فلک‌زدگی و کبیت آن را توصیف می‌کنند. نقل مختصرش شاید با موضوع کتاب همخوان باشد. کتاب Asshole no more از طریق یکی از وابستگان در سال ۸۶ به دستم رسید. با خواندن فقط چند صفحه از آن حیرت‌زده شدم.